آثار بزرگان

ترجمه و گردآورد :

عزت پور

(مدیر و نگارنده نامه آزادگان)

(طبع اول)



مردادماه ۱۳۱۵

سپاس ازحد برون پروردگاری را سزد که خالق بی همتاست وبخاطر هدایت مردم دانشمندان وفلاسفهٔ آفریده که درخلال حیات خلق را ازقید ضلالت برهانند و پس ازمرك برای دستور ومشی زندگی بشر ، کلمات و آثاری گرانبها از خود بیادگار باقی گذارند

اما بعد بطوریکه ازچندیبااینطرف درجرائد وعده داده بودم مشغول تدوین کتاب **آثار بزرگان** «منتشرهدرآزادگان» بودهواینك بطبع قسمتی ازان موفق وآنرا برحسب موضوع به ٤٠ فصل تقسیم نموده ام ـ از ایزد تعالی توفیق انتشار جلد ثانی این مجموعه نفیس را درآتیه نزدیکی خواستارم

عزت پور

این ترجمه و گرد آورد خود را که
مجموعهٔ از اقوال رزین دانشمندان
و فلاسفه نامی شرق و غرب
دنیاست بجناب « حکمت » وزیر
دانشمند معارف تقدیم میکنم
« عزت پور »

یك جلد از کتاب
« آثار بزرگان »
مانند دفتر پستی است که
هرکس در آنجا بجستجو پردازد
نامه هائی چند بادرس خود خواهد
یافت
بالزاك

۱ - وجدان

وجدان صدای خداوندی است **لامارتین**

عالم بی‌وجدان هیچگاه صاحب روح پاکی نخواهد بود **رابوله**

همیشه قضایا را قبل ازاخذ تصمیم به محکمه وجدان تسلیم نمائید . وجدان رهنمای بی‌نظیر و قاضی بیطرفی است . **منتسکیو**

درتمام مراحل زندگی فقط معتقدات شخصی و وجدان رهنمای من بوده اند

هیندنبورك

وجدان آئینهٔ را ماند . نه تملق می گوید ونه تحقیر می نماید

ملکه کریستین سوئدی

خدایا درسراشیبهای زندگی مرا ازلغزش محفوظ و تأیید فرما تا شراره کوچك آسمانی

را که در سینه ام پنهان و وجدان نام دارد
پاك و محفوظ دارم **شکسپیر**

رضایت وجدان بالا ترین مسرتهاست
ژول سیمون

وجدان خدای حاضر در انسان است .
هوگو

وجدان نما ینده
تقدس ، پاکدامنی .
عفت و صداقت است
الکساندردوما



تولستوی
۱۸۲۱-۱۹۱۰

وجدانت را مجبور
مکن که نفهمد آنچه
را که می بیند
پلو تارك

کسیکه در هر امری وجدان خود را
تبعیت مینماید هیچگاه خسته نشده واززندگی

ملول واز روزکار متالم نیست **باکون**

در دوراهیهای زندگی کاهی اتفاق می افتد . عاطفه ووظیفه باهم‌تماس پیدا میکنند کسانیکه از عاطفه پیروی نمایند همیشه از زندگی خود مسرور و مشعوفند ولی مردمیکه در این قبیل موارد تبعیت عقل و وجدان را ترجیح داده وانجام وظیفه بنمایند غالباً از کرده خود منفعل و نادمند **ولتر**

۲ـ حکمت

حکمت درختی است که از پاکی طینت روید

***

حکمت درختی است که از دانش روید و بازبان بار دهد

***

نیکوترین عبادات تفکر است و حکمت

زاده تفکر ***

حکمت از مرگت رهاند و جهل بـه
مهلـکه ات کشاند

***

راستی نکوتر راه و حکمت بهترین
رهنما ست ***

حکمت درختی است شیرین و پربار ،
میوه وثمره آن نیکو کاری و کم آزاری است

***

فکروعقل دو دریای عظیمند : مروارید
شان حکمت وفرزانگی است

حضرت علی بن ابی طالب ع

ای حکمت تو تنها توانائی که مارا در
شاهراه زندگانی رهنما باشی ـ ای آنکه فضیلت
را بما یاد میدهی و مارا برای مجادله بانفس

شریر مهیا میسازی بر کردن ما حق و منتی
عظیم داری، چگونه دینت را ادا سازم ؟

سیسرون



ناپلئون بناپارت
۱۷۶۹-۱۸۲۱

حکیم باید که
تیزی آتش خشم را به
آب حلم بنشاند و
شیطان هوس را به
افسون خرد درشیشه
کند وبناء کارها بر
لطف ورفق نهد .

بزرگمهر

اجازه دهید بشمابگویم فیلسوف کیست ؟
فیلسوف کسی است که عشق بحقیقت وحکمت
در وجودش سرشته شده باشد هیچ چیز :
نه حرص، نه جهل ، نه هوس، نه طمع
نتواند حجاب بصیرت او گردد

تنسیون

باحکیم ستیزگی مکن ' بالجوج مباحثه منمای ' بااهل تهمت مصاحبت مجوی

خواجه نصیرالدین

اصول اولیه اخلاق را فضائل خمسه «حکمت ـ شجاعت ـ اعتدال مزاج ـ عدالت خدا پرستی » تشکیل داده اند .

سقراط

۳ـ سعادت

جامه سعادتمندان و نیك بختان را از دو چیز بافته اند :

تارش را از خوشخوئی و نیکو کاری.

پودش را از ساز کاری و مردم داری

اردشیر بابکان

سعادتمند مردیست ' که غم و غصه فردا و بود و نبود نخورد و آنچه را که دردست رس اوست غنیمت شمارد. «**خیام** »

سعادتمند کسی است که از هر خبط و
خطائی که از او سر بزند تجربهٔ جدید
بدست آرد **سقراط**

سعادتمند کسی است که در هجوم و
مقابله با مصائب خود را نبازد **پاسکال**

سعادتی است که چون آب، ازاین گذرگه فانی
چنان روی که غبار از تو در دلی ننشیند
ملای بلخی

بدبختی، مادروسعادت، زن پدربشراست
منتسکیو

اگر میخواهی در زندگانی خوشوقت
ومسرور باشی سعی کن تنها وگمنام زیست کنی

روسو

دوری ازمردم شریر، سر آمدسعادتهاست
شکسپیر

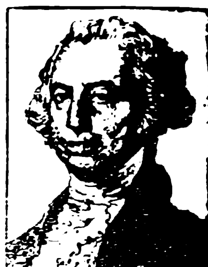
دوری از مردم شریر دریچهٔ سعادت و
نیکبختی است **ویکتور هوگو**

حسن شهرت و نام نیك بزرگترین سعادتهاست

شیلر

خوشبختی گلوله را ماند ، وقتیکه بگردد ما نیز میچرخیم و زمانیکه بایستد ما را از پای در می آورد .

شاتو بریان



واشنگتن
۱۷۳۲-۱۷۹۹

هیچکس نمیتواند قبل از مرك ، ازنیك بختی یابدبختی خود دم زند ، پس از مرك باید مردم دربدبختی وخوشبختی اوقضاوت کنند .

***

سعادت در مال بی پایان و منال فراوان نیست .

سولون

بعضی خیال میکنند ، سعادت در وصول

بمقصود و نیل بارزو ها ست ، ولی غا فلند
که آمال بشری انتهائی ندارد ، خوشی هم چو
گـاه زیاد طول کشید خسته کننده روح و
بلا شك باعث ملالت خاطر می گردد .

ارسطو

سازگاری و مردم داری را دریچه سعادت
خوانده اند

خسرو

دم را غنیمت شمارید : تا همیشه سعادتمند
باشید .

روسو

بشر هرچه بیشتر خود را بکار وا دارد
بسر منزل سعادت نزدیکتر میگردد .

سیسرون

سعادتمند حقیقی کسانی هستند که در کنجی
نشسته و از اجتماعات گریزانند .

اپیکور

شرافت و تقوی سر چشمه و یگانه منبع
سعادتند .

زنون

رفیق شفیق کیمیای سعادت است .
حافظ

سعادت دیگران قسمت مهمی از خوشبختی ما ست .
روزان

سعادتمند حقیقی کیست که همیشه و همه جا به همه چیز و همه کس بخندد .
شکسپیر

سعادتمند کسی است که هر چه مسن تر شود مشفق تر گردد
گوته

سعادتمند کسی است که در مصائب خود را نبازد .
روشو

خوشبختی و بد بختی انسان در زمان پیری منوط بکار و کوشش هنگام جوانی است .
سنت بو

سعادت و یا بد بختی بشر با ثروت ارتباطی ندارد بلکه مربوط و منوط بخلق و خوی اوست
لاروشفوکو

٤-مرك

مسلمان را از مرك بیمی نیست

حضرت رسول ص

تحقیر درد و مرك اولین وظیفه مرداست

سیسرن

بدتر از مرك چیست ؛

آنکه بعد از آمدنش مرك

را می طلبی ،

ویکتور هوگو

از مرك نترسید ،

زیرا که تلخی او در



ژاك ژاك روسو

١٧١٢-١٧٧٨

همان از ترس اوست

☆☆☆

نزدیکترین چیز ها مرکو دور ترین چیزها

آرزوست

سقراط

۵ - زن!

خداوند تعالی زنان را رقیق القلب و حساس آفریده و بهمین نظر احترام ورعایت آنان را بر مردان واجب و فرض عین فرموده .

***

زنان شمع و چراغ خانه اند .

***

در خانهٔ که زن نیست خوشی و روشنائی وجود ندارد .

***

هر که از خود زنی را آزرد دریچهٔ از جهنم بر خود کشود و هر که دختری را شاد ساخت خانهٔ در بهشت جهت خویش آباد و بنا نهاد .

***

هر که با اهل و عیال خود نیکی کند
حق تعالی او را رزقی عظیم و حلال عطاء
فرماید .

***

بهشت زیر پای مادران است

***

خدا رحمت کند زنانرا که با تمام مشقات
زندگی در تربیت فرزندان خود آنی کوتاهی
نداشته و لحظهٔ بر آنان رو ترش نمیکنند

***

دو چیز را دوست دارم و نمیخواهم آنی
از آنان منفك شوم : زن و عطر را

***

قبل از ازدواج همسر خود را بیازمائید
تا بطلاق و فراق مبتلا نشوید زیرا بد ترین

چیز ها نزد من طلاق است

حضرت رسول ص

زن شریك زندگانی و یار ساعات درماندگی است.

گوته

در سرائی که زن نیست فرشته سعادت قدم نمیگذارد

اسکندر کبیر

زن را خدای تعالی بمانند مرد آزاد آفریده بگذارید که این موجود لطیف و این پرورانندهٔ نوابغ روزگار آزاد زیست نماید.

منتسکیو

اوقات خوشی و ساعات شادی خود را با زن خود بسر برید

اردشیر بزرگ

اگر زن نبود مردی بعرصه وجود قدم نمی نهاد.

***

اگر زن نبود نوابغ روزگار را که پرورش

میداد . بناپارت

تمام خستگی و آلام روحی مرا یکساعت معاشرت با زن وفا دار و بازی با دو بچه دلبندم مرتفع میسازد. **فردریک**

آینده کودکان بسته بتربیت مادران است

بناپارت

دامان زنان دبستان اولیهٔ بشر وکار خانه آدم سازی است.

***

هرچه عده متاهلین زیادتر گردد .جنایات کمتر خواهد شد **ولتر**

مردی که بتجرد زندگانی خود را ادامه دهد . مرد نیست ! **الکساندردوما**

٦ـ کبر ، فروتنی

متکبر عقل را وداع نموده

حضرت علی بن ابی طالب ع

ز مغروری کلاه از سر شود دور

مبادا کس بروز خویش مغرور

نظامی

تکبر عزازیلرا خوار کرد

بزندان لعنت گرفتار کرد

سعدی

نخوت چون گدائی است که از شدت

احتیاج فریاد کند **فرانکلن**

دشمنی و کینه‌جوئی نتیجه حماقت است

مخصوصاً هرگاه علتی‌هم نداشته باشد- خیلی

اوقات می‌توانیم مطالب را دوستانه حل کنیم

ولی خود پرستی‌نمی گذارد **ارسطو**

موقعی که تکبر بما اجازه صحبت

نمی دهد کمتر حرف میزنیم

***

دیوانگی بزرگی است که بخواهیم‌تنها

ما عاقل باشیم .

احدی باوج ترقی نمیرسید هرگاه کبر رفیق راه‌لمیشد

☆

آنچه را مردم دوستی نامند . چیزی نیست جز منافع و تبدیل موقع ، بالاخره دوستی جز این نیست ، که خود پرستی انسان میخواهد از دیگران ، بعنوان دوستی منتفع شود

☆*☆

بشر خود خواه بدنیا آمده واین حس شریف تادم گور اورا یار ومعین خواهد بود

☆*☆

اگر متکبر نباشیم ازکبردیگران شکایت نخواهیم کرد.



تکبر ماست که بما امر میکنند
وظایف خودرا کاملا انجام‌دهیم ـ زیرا این
حس مقدس «تکبر» که خداوطبیعت در نهاد
ما بودیعت نهاده اند مانع بوده و نمیخواهد
دیگران مارا بنام مردم بیمصرف و تنبل طعنه
زده ملامت نمایند **لاروشفوکو**

باهمت باز باش وبا کبر پلنك

مسعود سعد

اعجاب بنفس عقل و علم را مقهور
گرداند **افلاطون**

آزادی ما از جائی شروع میشود که
آزادی دیگران خاتمه یابد **ویکتور هوگو**

تواضع کند هوشمند گزین
نهد شاخ پرمیوه سر بر زمین

•☆•

تواضع سر رفعت اندازدت
تکبر بخاك اندر اندازدت

•☆•

تواضع ز کردن فرازان نکوست
گدا گر تواضع کند خوی اوست

سعدی



ولتر
۱۶۹٤—۱۷۷۸

تواضع نردبان بزرگی
وبلندی است **شکسپیر**

هیچ انسانی نیست
که بتواند انسان دیگر
را حقیر شمارد .

آلفرد دوینی

تواضع بیجا آخرین مرحله تکبراست

لابرویر

۷- مناعت طبع ، آز

غرور و طمع هریك را بچه‌ایست که طبیعت به ایشان عطا فرموده :

بچه اولی نکبت و ثانی را ذلت نام نهاده اند

حضرت رسول ص

آزادگان تمامی دنیا را بپشیزی نخرند .

***

طماع قیدبندگی‌را برای الی الابد برگردن نهاده

حضرت علی بن ابی طالب ع

موسی (ع) فرمود بمال دیگران طمع مورز من میگویم اندیشه طمع راهم بدل راه مده

***

دنیا پرستان بمنزله کسانی هستند ، که ازآب دریا می آشامند ، هرچه بیاشامند تشنه‌تر میگردند و بالاخره هلاك میشوند .در حالیکه

سیراب نشده اند . **حضرت مسیح ع**

لب سؤال سزاوار بخیه بیشتر است .

عجب بخرقهٔ خود ' بخیه میزند درویش

صائب تبریزی

تا هست بچون خودی نیازت

با سوز بود همیشه سازت

آنگاه رسی بسر بلندی

کایمن شوی از نیاز مندی

نظامی

طمع بند و دفتر ز حکمت بشوی

طمع بگسل و هر چه خواهی بگوی

سعدی

اگر چیزی بالاتر از زندگی وجود داشته

باشد صحت است واگر چیزی مانند آن یافت

شود بی نیازی و علو طبع می باشد

بزرگمهر

آزمند پیوسته نیازمند بود **سعدی**

هرگاه طالب دنیا بمقصود رسد بالاخره آنرا برای دیگران میگذارد واگر نرسد روزگار خود را باغم واندوه طی وآرزو رابگور خواهد برد
سقراط

گر تو بر نفس خود شکست آری
دولت جاودان بدست آری
مکتبی

چو «حافظ» در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر
که یك جو منت دونان بصد من زر نمی ارزد
حافظ

آز و حرص بین شخص و حقیقت ابر مظلمی را تشکیل میدهد **لاروشفوکو**

هر آنکه گنج قناعت بگنج دنیا داد
فروخت یوسف مصری؛ بکمترین ثمنی
حافظ

فقط عظمت اخلاقی و روح دلیل بزرگواری اشخاص است ، مرگ که همه چیز را نابود میکند آنرا با تجلیل و احترام حفظ مینماید

ژوبرت



ویکتور هوگو
۱۸۰۲-۱۸۸۵

اشخاص بزرگ و نامی بکوه مانند ، هر چه بایشان نزدیکتر شوی بیشتر عظمت و ابهت آنان بر تو آشکار گردد مردم پست و دون همت سراب را مانند که چون کمی به آنان نزدیک گردی بزودی پستی و ناچیزی خود را بر تو آشکار سازند

گوته

کاری که فقط منفعت شخصی در ان منظور شده باشد شرافتمندانه نیست

تولستوی

دشمنان من سه قسمند : گروهی قویتر وجماعتی هم ودستهٔ ازمن ضعیفتر و کوچکترند طرفیت با گروه اول از طریق عقل خارج وموجب اضمحلال قطعی است با جماعت دوم تا جان دارم خواهم جنگید . اما گروه سوم را ولو بالتماس وتملق هم بکشد با دوستی و محبت رام خواهم ساخت چه طرفیت با دشمن کوچك وخصم ضعیف از مقام وحیثیت انسان درانظار مردم میکاهد و در صفحات تاریخ شخص را پست و ناچیز میسازد

افلاطون

۸ ــ فقر .

فقر شریك شرك و قرین کفر و ملازم ذلت و خواری است

***

بیشتر جنایات و مفاسد اخلاقی ناشی از

بدبختی است؛ یگانه منبع و سر چشمه بدبختی بشر دروغ ، و دروغ خود یکی از فرزندان کوچك فقر و تنگدستی است

حضرت رسول ص

هنگامی که فقر از در وارد شود عشق از پنجره فرار خواهد کرد

***

هیولای مهیب فقر و بدبختی آرزوی ورود و توقف در درب منزل صنعتگران و کارگران را بگور خواهد برد **شکسپیر**

مادر هر عیبی فقر و پریشانی است

روسو

کسب معرفت و کمال برای اغنیاء آنقدر مشکل است که بدست آوردن ثروت برای عقلاء .

***

دوستان خود را از بین طبقه فقراء

بر کزینید چه صمیمیت در قلوب انها بیشتر حکمفرماست **لاروشفوکو**

انسان خود را نمی شناسد مکر هنکام فقر وبدبختی **آلفرد موسه**

هر کاه چیزی بر تر از مرك بیابی مرض و ناخوشی است ـ و اکر دنبال مثل ومانند ان بکردی بدون شك جز تنکدستی و فقر چیزی دیکر را نخواهی دید **بزرکمهر**

از معاشرت وامیزش با فقیری که جدیداً توانکرشده جز کسالت روح بهرهٔ نخواهید برد **لابرویر**

۹ ـ پول . قرض

قرض مخرب خانواده‌ها ومقراض دوستی است .

***

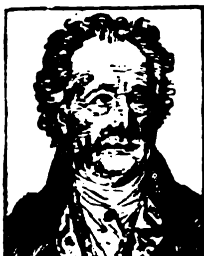
هر کاه بنام قرض بدوست خودپولی

دهی بیگمان یا دوست را از دست خواهـی
داد یا پول را .

☆

کسی که از پول گذشت متقی و
بندهٔ خاص خداست

حضرت علی بن ابیطالب ع



گوته
۱۷۴۹-۱۸۳۲

نه قرض میدهم''
نه قرض میکنم ، قرض
راهی‌است بسوی خرابی

شکسپیر

اگر میخواهی‌قیمت
پول‌را بدانی ـقرض کن

فرانکلن

شخص بدهکار یك غلام حقیقی است

ولینگتن

تمول و تقوی چون دو وزنه هستند

که در کفتین یك ترازو قرار گرفته باشند یکی نمیتواند بالا برود ، هر گاه دیگری پائین نرود.

افلاطون

۱۰ - کار

کار کن و مطمئن باش کامیابی

حضرت علی بن ابی طالب ع

کار سرمایه سعادت و نیك بختی است

سقراط

تن رنج نا دیده را ناز نیست
که با کاهلی ناز انباز نیست
بدریای ژرف آنکه جوید صدف
بباید ش جان بر نهادن بکف

اسدی طوسی

عبادت سحر گاهان کلید سعادت بامدادان و قفل نکبت شبانگاهان است

بیچر

سعدیا عمر عزیز است بغفلت مگذار
وقت فرصت نشود فوت، مگر نادانرا
سعدی

زندگانی مانند کودکی است که
تا بخواب نرفته باید گهواره اش‌را تکان داد
ولتر

کار انسان را از سه بلای عظیم دور
میکند : افسردگی ، فسق ، احتیاج **ولتر**

تا زنده‌ام لحظهٔ آرام نخواهم نشست :
راحت کردن و مردن نزد من یکی است
بناپارت

تنبلی آنقدر آهسته راه میرود که
فقر و ذلت برای وصول و رسیدن بان دچار
اشکالی نمیگردند. **فرانکلن**

خدای تعالی تنبلی و کاهلی را دوفرزند
عطاء فرموده که خواری و بدبختی نامداده‌اند
سقراط

۱۱ - تجربه

تجربه مدرسه ایست که محصلین خود
را با قیمت گرانی بار میاور **فرانکلن**

تجربه را در روی تختخواب نرم معطر
و متکای پر قو نمیتوان بدست آورد
اریپید

تجربه طبیب حاذقی است که نقطیس
از بیماری بملاقات شخص میاید **اودوگر**

تجربه درسی است قیمتی که ارزش ان
از کلیه دروس مهم اساتید عالیقدر بالاتر است
سیسرن

تجربه میوه ایست که اورا نمی‌چینند
مگر پس از گندیدن **ارسطو**

۱۲ - امید ، یأس

روزگار ترا ادب کرد و نومیدی توانگر
و بی نیازت گرداند

***

مأیوس مباش : زیرا یأس مرگ است

حضرت علی بن ابوطالب ع

نومیدی اولین قدمی است که شخص
بسمت قبر بر میدارد

بناپارت

امید در زندگانی بشر آنقدر اهمیت
دارد که بال برای پرندگان

ویکتور هوگو



شاتو بریاند

۱۷۶۸—۱۸۴۸

بهیچوجه تسلیم
نا امیدی مشوید

رتشلید

ازدست دادن امیدی
پوچ و آرزوئی محال
خود موفقیت و پیشرفت بزرگی است

شکسپیر

امید نان روزانه بیچارگانست **شامفور**

از آرزو های دور و دراز دوری نمائید

چه جز خستگی روح و ملال خاطر بار و بری ندارند **ولتر**

مایوس شدن از یك امید بزرك چون غروب آفتاب تابانست **لانکفلو**

امید و آرزو آخرین چیزیست که دست ازگریبان بشر برمیدارد **روسو**

۱۳ ــ حسد

هر کس که مورد توجه و محبوب مردم گردیدمحسود و مغضوب اشرار خواهد شد .

***

حسد روح را کسل و دل را تیره می گرداند

***

کینه و حسد از قدر و منزلت مرد بکاهد و در انظار خوار دارد

***

حسود بزرگی نبیند **حضرت علی بن ابوطالب ع**

شخص بوالهوس و حسود از چاقی دیگران لاغر میشود **سقراط**

حسد شیرینی است که عاقبت چشنده خود را بکشد **لقمان**

۱٤ - شك:

چیزیرا بقدر شك و دو دلی مانع ترقی و پیشرفت شخص نمی بینم.

حضرت علی‌ابن‌ابی‌طالب ع

بدترین غمها شك و تردید است

آلکساندر دوما

عقلاء شك و تردید را دانشگاه حقیقت خوانده اند **باکون**

۱۵ - شکیبائی

صبور باش که صبوری ترازوی عقل و نشانه توفیق است ' **حضرت رسول ص**

صبر در شدائد نشانه ایمان ورستگاریست

نیکوتر و معتبر کسان در درگاه حضرت حق
مردم شکیبایند

***

درخت برومند برد باری و تحمل را در
بهشت برین کاشته ،
ازچشمه کوثرش آب
داده و میوه لذیذش
را ظفر و عزت نامیده اند
حضرت علی بن ابیطالب ع



منتسکیو
۱۶۸۹--۱۷۵۵

هر آن سختی که با تو روی بنمود
گر آسان گیریش آسان شود زود
ناصر خسرو

کسی که تحمل دارد بانجام هر کاری
قادر و توانا است
کاءیتا

برد باری برای مردم مانند موتور است

برای روشن کردن لامپ **آلفرد دوموسه**

خرد با شتاب اندر آید به خواب ،

فردوسی

در سختی دل داشته باش و در شدائد زندگی بقلعه صبر پناه بر و مردانه مقاومت نما عاقبت مظفر خواهی بود . **انوشیروان**

موفقیت هائی که نصیب بشر شده عموما در سایه تحمل و شکیبائی بوده **شکسپیر**

سرمایه گناهان جهل است وامید راحتها صبر **خواجه انصاری**

تحمل و برد باری بالا ترین جرئت و جسارت است **ژرژساند**

تیغ حلم از تیغ آهن تیز تر
بل ز صد لشکر ظفر انگیز تر

ملای بلخی

بی صبری شخص را از هیچ رنجی نمی رهاند بلکه درد جدیدی است که انسان برای

از پا در آوردن و نابود ساختن خویش بر سائر دردهای خود می افزاید . **افلاطون**

در کنج سعادت سازکاریست
کلید باب جنت برد باریست
ناصر خسرو

۱۶- در بیوفائی روزگار

با روزگار سازکار باش ، هنگام شادی مغرور و گاه محنت مغموم مشو ، زیرا دیر یا زود هر دو سپری گردند ،
حضرت علی بن ابیطالب ع

بعد ازاین هرچه رسد از بد ونیك ای حافظ
غم مخور ، شاد مشو ـ زآنکه جهان درگذر است
حافظ

جهان هرگز بحالی بر نپاید
پس هر روز روز دیگر آید
جهان را هر چه بینی هم چنین است

بزیر نوش و مهرش زهر و کین است

فخر گرگانی

از لطف خود هنگام توانائی همه حتی
دشمنان و معاندین را راضی ساز واحدی
را مرنجان که دنیا را ثبات و بقائی نیست

خسرو

ز روز کار همین حالتم پسند آمد
که خوب وزشت و بد و نیك درگذر دیدم

کمال

بدوستی جهان هرگز اعتماد مکن
که شوخ دیده نظر با کسی است هرچندش

سعدی

۱۷ - نیکی!

حرف نیك ، عمل نیك , خلق نیك

گرانبهاترین متاعها عقل است . بزرگترین
درد ها حمق ، موحش ترین وحشتها عجب
و گرامی ترین پیشه ها حسن خلق

***

شما قادر نیستید با پول خود جز جمعی قلیل دوست تهیه نمائید ولی می توانید با رفتار نیك و محبت عالمی را فریفته و یار خود سازید ***

خوش روئی و مسالمت کلید جنت است
حضرت رسول ص

احسان بیگانه را خویش و بنده سازد
حضرت علی بن ابیطالب ع

شریفترین دلها ، دلی است که اندیشه آزار کسان را بدان راه نباشد
حضرت زردشت

بدو نیك هرگز نگردد نهان **فردوسی**

نیکی درخت برومندی است که شخص میکارد لاشك روزی برهای شیرین او را خواهد چید. **دیدرو**

نام نیك ارایش جسم و قوت روان است

شکسپیر

نام نیك پیراهنی است که هرگز
کهنه نگردد

لقمان

بر این رواق زبرجد نوشته اند بزر
که جز نکوئی اهل کرم نخواهد ماند

حافظ

حسن خلق و خوشروئی از جمله خصال
پسندیده، و نماینده صحت روح است

دو لفوس

بدان گونه کن جای در هر دلی
که هر جا شوی باشدت منزلی

فتحعلی خان صبا

افکار خوب تراوش روح پاك مردم
خیر اندیش و عطر های خوب تراوش گلهای
خوشبو است

اناتول فرانس

نیکی کن بدون آنکه انتظار پاداشی داشته

باشی، نیکی کن ولو با کسی که بتو بدی کرده ـ نیکو کار در هر دو دنیا کامیاب و رستگار است؛

ارداویراف

کسی نیك بیند بهر دو سرای
که نیکی رساند به خلق خدای

***

بجان زنده‌دلان سعدیا، که ملك وجود
نیرزد آنکه دلی را، زخود بیازاری

***

تا توانی درون کس مخراش **سعدی**

مقدسترین وظیفه آدمی نیکی است علی الخصوص بکسانی که از او روزی بدی دیده اند:

فرانکلن

دستگیری کنید روزی میرسد که

زمین مارا از خود می راند یکانه تمول

سرشارشمادرآنعالم همین دستگیر بهای امروزند

ویکتورهوگو

روندگان طریقت به نیم جو نخرند

قبای اطلس آنکس که از هنر عاریست

دلش بناله میازار و ختم کن حافظ

که رستگاری جاوید در کم آزاریست

حافظ

۱۸ ــ تفکر

تفکر بزرکترین عبادتی است که برای

اشکار شدن حقایق مخفی بجای میاوریم

حضرت رسول ص

☆*☆

تنهائی و تفکر اسایش خدا پرستانست

حضرت علی بن ابوطالب ع

کسی که بدون فکر حرف میزند صیادی

را ماند که بدون نشانه گرفتن تیر خالی کند
منتسکیو

تا نکنی جای قدم استوار
پای منه در طلب هیچ کار
نظامی

میاسا ز اندیشه گونه گون
که دانش ز اندیشه گردد فزون
اسدی

۱۹ - صداقت - دروغ

خانه دزدی و تقلب بالاخره روزی زیر و زبر خواهد شد ولی سرای درستی و کاخ امانت همیشه محکم و پا بر جاست
حضرت رسول ص

اجتماع دو خصلت صورت نبندد، ضعف نفس و صداقت ***

صداقت وصحت عمل هر یك شمشیری برانند که هیچگاه زنك نگرفته و کند

نـکردند .

***

عاقبت راستی توفیق و نجات است

حضرت علی بن ابیطالب ع

زبانی که از اظهار حقی متوجه من گردد بمراتب مرا گوارا و مطبوعتر است تا آنکه از اخفای مطلبی ضرری بحق رسانم

ویکتور هوگو



لامارتین
۱۷۹۰-۱۸۶۹

توباثبات وصداقت جاده راستی ودرستی را طی کن وهیچوقت حتی در پرتگاههای مهیب هم بیمناک مباش و به پشت سر خود نگاه مکن و مطمئن باش دستگیر. و پشتیبان تو. خود از پی تو خواهد آمد

گوته

مرد باید که راستگو باشد

ور ببارد بر او ، بلا چو تگرگ

سخن راست گو، مترس که راست

نبرد روزی و نیارد مرگ

جمال الدین اصفهانی

در خانه راستی گنجی پنهان و در بیشه نادرستی شرارهٔ مخفی وجود دارد

شکسپیر

دروغ هیچگاه مورد استفاده واقع نمی‌گردد زیرابرای هر کس و در هرموضوع بیش از یکمرتبه استعمال نمیشود **بناپارت**

۲۰ - نقض عهد ودو روئی

پیمان شکن را با مردی و مردمی چکار؟ **شاپور اول**

شکست پیمان و نقض عهد از شریعت مروت و آئین مردی فرسنگها دور است

بزرگمهر

تا جوانمردیست چون «جانوسیار» و« ماهیار»

یار « دارا » بودن و دل با «سکندر» داشتن

قاآنی

۲۱ - رفتار عاقل

عقلاء ملازمان خود را بکنایه تأدیب

مینمایند ولی جهال بقطع نان

حضرت علی بن ابیطالب ع

عاقل آنچه‌را که میداند نمیگوید ولی

آنچه را که میگوید میداند **ارسطو**

۲۲ - تملق !

مداهنه سکه قلبی است که رواج آن

فقط در بازار خود خواهی و غرور ماست

لارو شفوکو

حذر نما از مردم چاپلوس و خسیسانی

که جدیدا توانگر شده اند تا ایمن مانی

بزرگمهر

چاپلوسی غلامی‌است که برای هیچ
خواجه عاقلی شایسته نیست **منتسکیو**

تملق و تمجید بی حد ، دیدگان
انتقاد را می بندد و شما را از راه راست و
مستقیم دور و کم میسازد **تایلر**

متملق دریائی را ماند : که آبش
پاهای شما را بوسه دهد و سواحل عظیمش
برایتان زمزمه خواند تا چشم باز کنید
استخوانهایتان را خرد وخودرا غرق‌میبینید
هلمز

۲۳ - مقام سرباز

جانبازانی که در طریق حق و حفظ
وطن کشته میشوند . بهشت برین جایگاه
ایشان و معاشرینشان انبیاء و پیغمبرانند
حضرت رسول ص



اشرف مقامات نزد من سپاهیگری و

شریفترین کسان ، سپاهیانند **اردشیر بابکان**

٢٤ - اراده

یکسانی که در طریق عشق وصول بحق و عقیده از خود بگذرند ، بحقیقت درزمره آزادگانند **حضرت رسول ص**

در مشی و عقیده خود راسخ و ثابت باش تا موفق و کامیاب گردی
حضرت علی بن ابیطالب ع

فتح وپیشرفت ، ملك بلامنازع کسانی است که دارای استقامت و ثبات قدم باشند
گوته

تمایلات خود را میان دو دیوار محکم « اراده » و « عقل » حبس کنید **ارسطو**

اگر میخواهید غنی شوید ازهواهای نفس بکاهید **ولتر**

کسیکه میگوید انجام و وصول فلان

موضوع محال و غیر ممکن است ، میخواهد
برای تنبلی خود عذری آورده باشد
لاروشفوکو

در مقابل عزم آهنین قوه‌ای وایارای
مقاومت نمی بینم

***

چیزی را که بخواهم انجام دهم بذهن
میسپارم - ذهن وحافظه مرا با فراموشی
و نسیان ارتباطی نیست

***

صاحب همت در پیچ و خمهای جاده
زندگی هیچگاه با یأس و استیصال روبرو
نخواهد شد **بناپارت**

۲۵ - راز

هر کلامی که از دو لب خارج شد
بیهوده بفکر استتار آن مباش
حضرت علی بن ابیطالب

قویتر رکن بنای مودت را ، کتمان

اسرار دوستانست **برزویه**

بدوست گرچه عزیزاست راز دل مگشای

که دوست نیز بگوید، بدستان دگر

سعدی



فرانکلن
۱۷۰۶—۱۷۹۰

راز خودبا سخن‌چین

مگوئید

انو شیروان

سه چیز بسیار مشکل

است ، نگهداری اسرار

تحمل ناسزا — صرف

کردن اوقات بیکاری **ولتر**

دوست بود مرهم راحت رسان

ورنه رها کن سخن ناکسان

دوست کدام ! آنکه بود پرده دار

پردهٔ در ندِ اینهمه چون روزگار
نظامی

از نزدیکی بکسیکه قادر بحفظ اسرار
و رموزِ زندگی خودِ نیست پرهیز نما
افلاطون

اگرجز تو داند ، که رای توچیست
بر آن رای و دانش بباید گریست
فردوسی

۲۶ - تهور؛ ترس

دو خلق است که حق تعالی هردورا
دوست دارد . سخاوت و شجاعت ، منشاء
هر دو از یك اصل است سخاوت بذل‌مال
است و شجاعت بذل جان

***

دلیر حقیقی و دلاور واقعی‌کسی است
که در حالِ غضب خشم خود فروِ خورد و
از آزاربیچارکان حتی گاه انتقام خودداری

ورزد
حضرت رسول ص

دو رنگی نوعی از شرك و مردم دو
رنك مشرك كنند ***

ترسورا توفیق و کامیابی محال است
حضرت علی بن ابوطالب ع

در دنیا فقط باید از یك چیز ترسید
و آن ترس است ! ***

اولین شرط توفیق ، شهامت و بی
باکی است **بناپارت**

همیشه صراحت بیان داشته باش هر
چند بندرت حرف بزنی **هلمز**

شجاعت مادر صداقت و صمیمیت است

دروغ و تفتین را از پستان ترس و جبن
شیر داده اند **گته**

مردم ترسو ، در و دیوار را دشمن
خود دانسته از همه چیز و همه کس بیمنا کند
سقراط

خورشید صفت باهمه کس یك رو باش

بایزید

ترسو وبزدل هرروز چندین بار میمیرد

وزنده میشود **باکون**

برای هر احقاق حقی ولوهرقدر مشکل

بنظر آید فقط اندکی تهور کافی است

میرآبو

بیم و جبن روح را پژ مرده ساخته

از هر کار نیکی بازش می دارند

روسو

همیشه حق را بدون بیم بیان کن

وشیطان را خجل ساز **شکسپیر**

۲۷ ـ دوست : دشمن

زینهار ! دوست خود مخوان کسی را

که دشمن دوستانت بود

حضرت علی بن ابیطالب ع

هرچه دشمن بیشتر مهر ورزد . زیاده

پرهیز کن — **لرد**

بر تواضعهای دشمن ، سر سوردین زابلهی است

پای بوس سیل ، ازپای افکند دیوار را

صائب تبریزی

آسایش دو گیتی تفسیر این دوحرف است

بادوستان مروت ، بادشمنان مدارا



درخت دوستی بنشان ؛ که کام دل ببار آرد

نهال دشمنی برکن . که رنج بیشمار آرد

حافظ

بهترین وسیله برای دفع دشمنان ،

ازدیاد دوستانست — **هانري چهارم**

ممکن نیست باکسی که کاملا رشته

مودت گسسته شده است . دومرتبه دوستي را

شروع کرد — **لاروشفوکو**

احترام دوستان را هنگام نشاط برانترین
اسلحه نبرد دانید **بزرگمهر**

بدیوانه امید وار بودن و از دشمن
چشم دوستی داشتن کار بخردان نیست
هرمز چهارم

اعتماد بر دوستان نا آزموده از حزم
دور است **کلیله ودمنه**

کسیکه درزندگی تك و بی یار است دست چپی
را ماند که بی دست راست باشد **کاندی**

نایاب ترین چیزها صمیمیت ویگانگی است
بناپارت

دو دوست خوب شناسند قدر صحبت را
که مدتی بگسستند و باز پیوستند
سعدی

۲۸- اغتنام فرصت

گذشته گذشت وآتیه نیز معلوم نیست

بحقیقت گذشته و آینده دو معدوم بیش نیستند

بین این دو ، حال را باید مغتنم شمرد

حضرت علی بن ابوطالب ع

سعدیا دی رفت و فردا همچنان معلوم نیست

درمیان این و آن فرصت شمر . امروز را

سعدی

حال گرانبها ترین

اوقات وهنگام فرصت

ماست **اناکرئون**



الکساندر دوما

۱۸۲۴ - ۱۸۹۵

گذشته را بکلی از

خاطر محو سازید زیرا

فقط حوادث امروز و

فردا پیش پای شما است

بناپارت

۲۹ـ افتادگان و بیگناهان

مروت نباشد بر افتاده زور

برد مرغ دون ، دانه از پیش مور

***

ضعیفان را مپسند بر دل گزندی

که درمانی بجور زورمندی

***

هرکه بر زیر دستان نبخشاید ؛ بجور

زبر دستان گرفتار آید **سعدی**

مریضان را بیش از مردم سالم مورد

احترام قرار داده و مقرر میدارم مقصرین

مریض را مادام که مریضند از هر مجازاتی

معاف دارند **کوروش کبیر**

جایگاه بیگناهان عرش الهی و رفیق

آنان فرشتگان معصومند **شیلر**

۳۰ - فراق

وقتیکه دو دوست باهم صمیمی شوند ،
مرگ یکی فقط تألم خاطر دیگری را فراهم می
آورد ولی فراق هردو را متأثر می سازد .

لاروشفوکو

۳۱ - خشم ، بخشش

بخشش نردبان جنت است

غضب غول و فریبنده
عقل آدمی است

***

ترش روئی دربان
جهنم است

حضرت رسول ص



دیدرو
۱۷۱۳ - ۱۷۸٤

فضیلت عفو هنگام قدرت معلوم میشود

***

مبادرت به عفو از اخلاق آزادگان و دلیل اصالت است

***

ضعف حاصل از انتقام بیش از دقیقهٔ نپاید ولی سرور حاصل از عفو را لذت ابدی است

***

عفو و گذشت زکوة قدرت است

حضرت علی بن ابیطالب ع

در حیات طولانی فقط از دو چیز کیف برده و خوشوقتم: بخشش خطایای زیر دستان و سپاسگذاری کسانی که بگردنم حقی داشته اند

گلادستون

خشم و غضب را بدرگاه مردان باراده راهی نیست

سقراط

هنگام بغض و انتقام انسان خود را مساوی و ردیف دشمن میسازد ولی گاه بخشش و اغماض خویشتن را بالا تر از او قرار میدهد

باکون

خشم بیش ازحد وحشت آرد

***

در عفو لذتی است که درانتقام نیست

سعدی

اغماض نشانه بلندی فکر وانتقام نماینده رذالت و معرف کوچکی فکر مردانست

سقراط

هرگاه غضب شما را ازجاده اعتدال خارج ساخت فوراً به آئینه نگاه کنیدبی اختیار بخود می خندید

روسو

۳۲ـ اعتماد بدیگران

کسیکه سوءظن شدید دارد از لذت حیات محروم و بی بهره است.

حضرت علی بن ابیطالب ع

صمیمیت خاتمه می یابد از جائیکه عدم اعتماد شروع میشود

اپیکور

بشخصی که بهیچ کس اعتماد ندارد اطمینان
نداشته باشد **گراف**

هر بدبختی که بمن رسید از اطمینان و
اعتماد بدوستانم بود **روسو**

بکوش که نسبت بمردم بدبین نشوی زیرا
بدبین را جز زحمت ابدی و کسالت روحی بهره
نباشد **سقراط**

۳۳-فراموش کار مباش

چو به کشتی طبیب از خود میازار
که بیماری توان بودن دگر بار

***

چو باران رفت. بارانی میفکن
چو خرما سیر خوردی. شاخ مشکن
سعدی

۳٤-مصیبت-شادی

در روز مصیبت - عظمت روح و مقدار

توانائی اشخاص به دست می‌آید.

حضرت رسول ص

مصیبت و محنت فکر را قوی ودوستان را بانسان مینمایاند



موقعی که شخص در خوشی وتنعم زندگی میکند همه او را دوست دارند و بتعریفش می بالند اما هنگام نزول بلا و سانحهٔ تمام یاران دشمن و از آشنائی با او بیزارند



دوستان را در مصائب باید شناخت

حضرت علی بن ابیطالب ع

هنگامی که بلا بر تو روی نمود بخند

گاندی

آلام و محن فکر انسانرا قوی مینماید

بناپارت

۳۵-تقوی

تقوی هنگام جلب منفعت معدوم میشود، مانند
رود خانهٔ که وارد دریا گردد. **لاروشفوکو**

۳۶-- پاداش عمل

دنیا مزرعه آخرتست .

حضرت رسول ص

نیکوکاران و تبه کاران هر یك را اجر و
مزدی جداگانه است ، که لاشك روزی دریافت
خواهند کرد **حضرت علی بن ابیطالب ع**

دستگیری کنید ، روزی میرسد که زمین
ما را از خود میراند ، یگانه تمول سرشار شما
در آن عالم همین دستگیریهای امروزند .

ویکتور هوگو

چونکه بد کردی برو ایمن مباش
زانکه تخم است وبرو یاند خداش

ملای بلخی

بینوایان را دستگیری کنید چه صدقه مانند دعا موجب رحمت و رضای خدا ست بیچارگان راامدادنمائیدتا مردم نام شمارا به احترام بر زبان آرند؛ درمانده گان را نوازش نمائید تا در روز درماندگی شما را نوازش کنند- فقرا را دریابید تا در دقائق آخر عمر و ساعات بیچارگی فقیری که قدرت و و نیرویش در آسمان ها شاید خیلی بیش از شما باشد برای شما دعا کند

ویکتور هوگو

دشمنان را باخلاق نیکو رام سازید و میسندید که در ساعات ذلت تنی چند از خفت و خواری شماخوشحال گردند . **سقراط**

۳۷- اول خودرا اصلاح نما

معلم نفس خود و شاگرد وجدان خویش باش

ارسطو

پزشکی که باشد بتن درد مند
ز بیمار چون باز دارد گزند

فردوسی

هیولای لجن خیز با دامان کثیف و انگشت‌های چرکین حق ندارد خطایای دیگران را نشان دهد. **لاروشفو کو**

در مرتبه اول بخود و در مرتبه ثانی بزن وزیر دستانت امر کن **فولر**

۳۸ - قلب پاك

مرد هر گاه قلب خود را از آلودگی و خیانت پاك کند هیچ گاه تنها نخواهد ماند

***

دارنده قلب پاك مؤمن حقیقی است، او را بهدایت و نصیحت دیگران احتیاجی نیست
حضرت علی بن ابی طالب ع

دارندگان قلبهای پاك هیچگاه راحت و

خوشی را بخود نخواهند دید ، زیرا خوشی و راحت خود را فدای اعتلاء و ترقی دیگران نموده اند

لابروییر

هیچکس از قلب شما بشما نزدیکتر و راستگو تر نیست ــ بنا بر این از کسانی که قلب پاك شما ایشانرا بخود نمی پذیرد اجتناب نمائید

سقراط

برای آنکه در زندگی دچار لغزش نشوی همواره قلب را پاك نگهدار .

پاسکال

مرد با وزنه قلبش توزین می گردد

دیدرو

بزرگترین خدمتگذار امین برای سلامت مزاج و آسایش خاطر عقیده ثابت و قلب پاك است

فردریك کییر

ما فوق همه چیز داشتن خیالات بزرك

و قلب پاك است

شیلر

۳۹- وطن - وطنپرستی

ایمان را سه سرچشمه و منبع قوی است

عقیده پاك ، حیا و عفت ، محبت وطن

***

کسانی که در طریق خدمت بوطن و مشی در

عقیده پاك خواب و خوراك را برخود حرام نمایند

در بهشت جاودان مکانی عالی و مقری رفیع دارند

حضرت رسول ص

چو ایران نباشد ؛ تن من مباد

بدین بوم و بر ، زنده یکتن مباد

فردوسی

٤٠- عشق و محبت !

محبت اساس زندگی است

***

در عالم هیچ افراطی مستحسن تر از افراط

در نوازش و تحبیب قلوب نیست



محبت نردبان رفعت است

حضرت علی بن ابوطالب ع

فلك جز عشق محرابی ندارد
جهان بی خاك عشق آبی ندارد
جهان عشق است و، دیگر زرق سازی
همه بازی است الا عشقبازی
نروید تخم کس بیدانه عشق
کس ایمن نیست ، جز در خانه عشق
ز سوز عشق بهتر ، در جهان چیست؟
که بی او گل نخندد ابر نگریست

نظامی

بی اثر مهر . چه آب و، چه گل!
بی نمك عشق ، چه سنك و ، چه دل
نیست دل آندل که در او داغ نیست
لاله بیداغ . در این باغ نیست

آهن و سنگی که شراری در اوست
بهتر از آندل که نه یاری دراوست
غزالی

مردم بی عشق کورانی هستند که بهیچ
وجه بمنزل نخواهند رسید **روسو**

عشقرا دعوائی نیست و هر که دعوی عشق
کند دهلی را ماندکه صدا نمـاید
ویکتورهوگو

برای مردم بی عشق دنیا حکم قبرستان
وسیعی رادارد **افلا طون**

کسیکه برای محبت حدودی قائل می
شود اصلا معنای محبت را نفهمیده است
گیو

عشق بلائی است که همه اورا خواهانند
لقمان

از نمو عاقهای هرزه‌روی جاده صمیمیت
ومحبت جلو گیری کنید
مادام رولر

عشق شیری است قوی پنجه و میگوید فاش
هر که از جان گذرد بگذرد از بیشه ما

ظهیر الدوله

شادمانی درخانه ایست که مهر و محبت
درآن مسکن دارد

شکسپیر

لذات حیاتی و حقیقت زندگی را در
خدمت بنوع ومحبت با مردم جستجو نمائید

میرابو

حلال نیست محبت ، مگر کسانی را
که دوستی بقیامت برند « سعدی » وار

سعدی

در عالم چیزی بالاتر
و بهتر از محبت نمی
بینم **ویکتورهوگو**

بی عشق . زندگی
محال است

افلاطون



بالزاک
۱۷۹۹ - ۱۸۵۰